

تاریخ اندیشه سیاسی در غرب

از سقراط تا ماکیاوولی

دکتر کمال ولادی



www.ketab.ir

تاریخ اندیشه سیاسی در غرب

کتاب اول: از سقراط تا ماکیاوولی

(یونان باستان و سده‌های میانه)

دکتر کمال پولادی

طرح جلد: ابراهیم حقیقی

سیر: چاپ اول ۱۳۸۲، شماره‌ی نشر ۶۵۱

چاپ دوم: ۱۳۸۲، ۱۰۰۰ نسخه، چاپ کانون چاپ

کتاب: ۷۰۶-۲-۹۶۴-۹۷۸

سایک: ۳۰۵-۳-۹۶۴-۹۷۸

نشر مرکز: تهران، خیابان دریا، ساختمان «مهروی هتل لاله»، خیابان باباطاهر، شماره‌ی ۸

تلفن: ۰۲۶۲-۲۰۳۶۲، فاکس: ۸۸۹۶۵۱۶۹

Email: info@nashr-e-markaz.com

همه‌ی حقوق محفوظ است

تکثیر، انتشار، بازنویسی و ترجمه‌ی این اثر یا قسمت‌های آن بدون اجازه‌ی ناشر ممنوع است. هرگونه نقض از جمله: فتوکپی، الکترونیکی، ضبط و ذخیره در سیستم‌های بازرسی و پخش کردن در یافت مجوز کتبی و قبلی از ناشر ممنوع است.

این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان» ایران قرار دارد.

سرشناسه:	پولادی، کمال، ۱۳۳۸-
عنوان و نام پدیدآور:	تاریخ اندیشه سیاسی در غرب / کمال پولادی
یادداشت:	ص.ع. به انگلیسی: A History of Political Thought in the West
مترجمان:	کتابخانه: نمایه ج. ۱. از سقراط تا ماکیاوولی (یونان باستان و سده‌های میانه)؛ ج. ۲. از ماکیاوولی تا مارکس؛ ج. ۳. قرن بیستم.
موضوع:	علوم سیاسی - تاریخ
رده‌بندی کنگره:	JA 81 / ۳۰۲ ۱۳۸۲
رده‌بندی دیویی:	۳۳۰/۵
شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی:	۸۱-۳۶۳۴۹

۲۳	۳. حکمای طبیعی: گذر از تبیین تخیلی به تبیین علمی و طبیعی امور
۲۳	پایه‌گذاری اندیشه عقلانی
۲۴	زندگی تابع نظم عقلانی
۲۵	هراکلیتوس
۲۶	بازگشت به انسان
۲۷	لوگوس هراکلیتوس
۲۹	۴. سوفسطائیان گذر از اخلاق اشرافی به اخلاق دموکراتیک
۳۰	اخلاق اشرافی و آرمان دموکراسی
۳۰	قانون طبیعت و برابری
۳۱	پروکراس: دفاع از عدالت به مفهوم برابری
۳۲	تربیت گاهانه
۳۲	پایاس: ضد مفهوم برابری
۳۳	جداکس: قانون انسان از قانون طبیعی
	فصل ۲ - سقراط
۳۵	در جستجوی حقیقت: هماهنگی اخلاقی در روح انسانی
۳۵	فضیلت به مثابه اساس اقتصاد سیاسی
۳۷	دانش و تخصص به عنوان فضیلت
۳۷	درگیری سقراط با دولت
۳۹	یادداشتها
۴۰	فصل ۳ - افلاطون اتحاد دولت و تربیت
۴۰	۱. ادامه کار سقراط
۴۰	اشاره‌ای به زندگینامه افلاطون
۴۰	زمینه پیدایش فلسفه افلاطون
۴۱	طرح کلی نظریه افلاطون
۴۴	دولت به مثابه نهاد تربیتی
۴۵	فلسفه‌ای تازه برای دنیای تازه
۴۶	۲. کتاب جمهور: پیوند نظام قدرت با نظام معرفت
۴۶	مضمون کتاب جمهور
۴۷	منشاء جامعه و دولت
۴۸	پیدایش دولت و دولت‌شهر
۴۹	تقسیم جامعه به طبقات (اصناف)
۵۰	نظام جامعه و نظام روح
۵۰	چرا سرچشمه پیدایش دولت طبیعی است نه اقتصادی؟

۵۲	دولت کامل (جامعه آرمانی)
۵۲	دولت کامل (جامعه آرمانی) به عنوان یک سرمشق
۵۳	۳. انواع نظامهای سیاسی: دولت‌های ناکامل
۵۳	معیار طبقه‌بندی
۵۴	تیموکراسی - حکومت متفخران
۵۵	ال‌گارشی - حکومت متفدین
۵۶	میکراسی
۵۷	تیراتی (تغلب)
۵۷	تقارن نظامها یا روح یا ساختار «طبیعت» انسان
۵۸	۴. فلاسفه: اندیشه و دموکراسی
۵۸	آیا افلاطون بر پایه پرداز نظام اشرافی بود؟
۵۹	مخالفت افلاطون با دموکراسی
۶۱	فضیلت به معنای نیکوکاری و نظام سیاسی
۶۲	جایگاه عقل در نظام سیاسی افلاطون
۶۳	اهمیت فلسفه افلاطون
۶۴	یادداشتها
۶۵	فصل ۴ - ارسطو: تکیه بر تحقیق تجربی در مطالعه دولت
۶۵	مختصری از کار و زندگی ارسطو
۶۶	طرح کلی اندیشه سیاسی ارسطو
۶۸	شیوه مطالعه نظامها
۷۰	۱. پیدایش دولت‌شهر
۷۰	ماهیت دولت‌شهر
۷۱	منشاء دولت
۷۲	چرا دولت امری طبیعی است؟
۷۳	دیدگاه اراگاتیکی (انداموارگی)
۷۳	فضیلت به عنوان جوهر سعادت
۷۳	عقل عملی و عقل نظری
۷۳	اعتدال و قاعده حد وسط
۷۶	۲. انواع نظامهای سیاسی
۷۶	دانش نظامهای سیاسی
۷۷	بهترین نظام (دولت کمال مطلوب) به مفهوم مطلق
۷۹	نظامهای متفاوت متناسب با شرایط متفاوت
۸۰	طبقه‌بندی نظامهای حکومتی

۸۱	بهترین نظام یا توجه به شرایط غالب
۸۳	۳. عدالت، برابری، دموکراسی
۸۳	ارسطو و مسئله تعدیل ثروت
۸۴	نظر ارسطو در مورد دموکراسی
۸۵	برده‌داری و نظام عدل
۸۸	یادداشتها

قسمت دوم: گذر از دوران دولت‌شهری به دوران دولت جهانی اندیشه سیاسی در دوره یونانی‌مآبی و دولت رومی

۸۹	فصل ۱ - بیان فلسفه دولت‌شهری و آغاز اندیشه جهان وطنی
۸۹	فرد دولت‌شهر
۹۱	توجه به عدالت‌مآبی
۹۲	۱. مکتب اپیکور؛ کنایه جویی از سیاست
۹۳	اصالت دولت
۹۴	مکتب اپیکور؛ سیاست فاسد؛ قراردادگرایی
۹۵	۲. مکتب رواقی؛ دولت جهانی؛ شهروند جهانی
۹۵	فلسفه رواقی
۹۶	قانون عام، شهروندی عام
۹۷	دولت جهانی
۹۹	فصل ۶ - اندیشه سیاسی روم؛ رشد اصول‌های حقوقی
۹۹	نهادهای سیاسی روم
۱۰۰	سهم روم در اندیشه سیاسی
۱۰۱	نظریه حقوق در روم
۱۰۳	پولی، بیوس؛ اصل توازن در نهادهای حکومتی
۱۰۳	توالی شکل‌های حکومت
۱۰۵	اصل توازن قوا
۱۰۶	سیسرون - بسط اندیشه قانون طبیعی و حقوق طبیعی
۱۰۶	قانون طبیعی
۱۰۷	برابری طبیعی
۱۰۸	دولت و قانون طبیعی
۱۰۹	دولت جهانی و حقوق بشر
۱۱۰	حقوق ملل
۱۱۲	یادداشتها

۱۱۴	فصل ۷ - پایان اندیشه سیاسی کلاسیک
۱۱۳	سنت اگوستین؛ دولت آسمانی برقرار دولت زمینی
۱۱۳	زندگی و آثار سنت اگوستین
۱۱۴	۱. گذر به عصری جدید در اندیشه
۱۱۴	چرخشگاه اندیشه سیاسی
۱۱۵	دولت جهانی و دولت آسمانی
۱۱۶	۲. صرح کلی اندیشه اگوستین و روش او
۱۱۶	قوانین الهی و قوانین علی
۱۱۸	دوگانگی سرشت انسان
۱۱۸	جهانی‌گرایی و تحلیل اگوستین
۱۲۰	۳. جنبه زمینی و جامعه مینوی
۱۲۰	فلسفه سیاسی اگوستین
۱۲۱	هبوط
۱۲۲	گناه نخستین
۱۲۳	شهر خاکی
۱۲۴	ارزش نظام خاکی
۱۲۴	طبقه‌بندی دولت
۱۲۵	مسافران شهر مینوی و دولت زمینی
۱۲۶	علت ظهور و سقوط امپراتوری‌ها
۱۲۹	جای شر در قانون الهی
۱۲۹	نظام بردگی از عوارض جامعه خاکی
۱۳۱	نظام عدالت و نظام زمینی
۱۳۲	جدا کردن حوزه دین از حوزه سیاست
۱۳۴	نقد جامعه مینوی اگوستین
	قسمت سوم: آمیزش نظام الهی و نظام بشری در اندیشه سیاسی
	فصل ۸ - مدافعان نظم الهی
	آغاز دوره‌ای جدید
۱۳۸	نخستین مسیحیان و حواریون
۱۴۰	پدران کلیسا
۱۴۰	رشد اقتدار کلیسا
۱۴۱	سلطنت پاپی
۱۴۲	قدرت دولت - قدرت کلیسا

۱۴۳	منازعه کلیسا و حکومت
۱۴۴	برتری کلیسا بر حکومت
۱۴۵	کلیسا صاحب دو شمشیر
۱۴۶	پادشاهی دین‌سالار
۱۴۹	فصل ۹ - شالوده‌های نظام سیاسی و قانون
۱۴۹	نهادهای نظام فئودالی - اصل قرارداد
۱۵۲	حقوق طبیعی به عنوان پایه قانون سیاسی و اجتماعی
۱۵۵	فصل ۱۰ - آکویناس: سازش دادن نظم الهی با نظم بشری
۱۵۵	تفسیر زندگی و آثار آکویناس
۱۵۶	اهمیت عقل و آشتی عقل و شرع
۱۵۶	کلیسای نظام‌نوی آکویناس
۱۵۷	الوهیت و قانون
۱۵۹	جامعه و قانون
۱۶۰	انواع قانون
۱۶۱	جامعه و دولت به عنوان الهی و من طبیعی
۱۶۱	تفسیر تازه از هیوط
۱۶۲	طبیعت اجتماعی بشر
۱۶۳	قانون طبیعی و قانون بشری
۱۶۴	قانون طبیعی و گناه نخستین
۱۶۵	انواع حکومت
۱۶۵	بهترین شکل حکومت
۱۶۶	مخالفت با خودکامگی
۱۶۷	حکومت و کلیسا
۱۶۸	نظریه حکومت عرفی
۱۶۹	جدایی دین از سیاست
۱۷۰	قانون طبیعی و مالکیت خصوصی
۱۷۰	محدودیت مالکیت خصوصی
۱۷۳	اهمیت کار آکویناس
۱۷۴	یادداشتها

قسمت چهارم: تلاش برای گذر از اندیشه نظام الهی - بشری به اندیشه نظام بشری

۱۷۵	فصل ۱۱ - طرح نظریه حکومت عرفی
۱۷۵	اوج معارضه طرفداران حکومت عرفی و حکومت شرعی

۱۷۸	دانته: منقدان میان‌هروی ولایت کلیسا و طرفداران حکومت عرفی
۱۷۹	منشاء اقتدار پادشاه و جایگاه کلیسا
۱۸۰	۲. ژان دوپاری: نظریه مالکیت خصوصی و دولت
۱۸۱	نظریه مالکیت خصوصی
۱۸۲	منشاء مالکیت خصوصی
۱۸۴	منشاء حکومت
۱۸۵	الکیت خصوصی و خیر مشترک
۱۸۵	نقش دولت
۱۸۶	حدود اختیارات حکومت
۱۸۶	شکل حکومت
۱۸۷	جایگاه کلیسا
۱۸۹	فصل ۱۲ - بهر عقیده اندیشه سیاسی مدرن
۱۹۰	۱. مارسیله پاسین: نظریه دولت و حکومت عرفی
۱۹۰	زندگی و آثار مارسیله
۱۹۱	کلیت نظام فکری مارسیله
۱۹۲	مارسیله و مسایل ایتالیا
۱۹۳	حکومت عرفی
۱۹۴	حاکمیت مردم
۱۹۴	نظریه «حاکمیت» مارسیله و دولت مدرن
۱۹۵	شکل حکومت و حکومت ابدال
۱۹۶	۲. ویلیام اکام: مدافع حقوق و آزادی‌های فردی
۱۹۶	مختصری از زندگی و آثار ویلیام اکام
۱۹۷	عقل طبیعی و مالکیت خصوصی
۱۹۹	اصل مشروطیت در حکومت
۱۹۹	حقوق فرد
۱۹۹	ماهیت دولت
۱۹۹	شکل حکومت
۱۹۹	رابطه قدرت دینی و دنیوی
۲۰۳	ادغام کلیسا در دولت
۲۰۴	منابع
۲۰۷	نمایه

مقدمه

۱. اندیشه سیاسی چیست؟

تعریف و انواع اندیشه سیاسی

انسان تنها موجودی است که با محیط خود چه محیط طبیعی و چه محیط اجتماعی رابطه خود آگاه دارد. حیوانات تنها با حضور خود در طبیعت تغییراتی را در محیط ایجاد می‌کنند، اما انسان با آموختن روش‌های طبیعی خود را بشناسد و برای تغییر آن در جهت تأمین نیازی خود به اندیشه و برنامه‌ریزی پردازد. در مورد محیط اجتماعی نیز به همین ترتیب. انسان از بدو دوران حیات خود همواره سامان زندگی اجتماعی را برپا می‌دهد و دگرگون کرده است. ایجاد دگرگونی در محیط طبیعی و اجتماعی ابتدا بسیار کند بود اما با گذشت زمان همواره شتاب بیشتری گرفت. هرچه به دوران جدید نزدیکتر می‌شویم این شتاب بیشتر و بیشتر می‌شود.

رابطه خود آگاه با محیط یعنی چه؟ رابطه خود آگاه با محیط یعنی همین تلاش برای شناخت محیط طبیعی و اجتماعی و کوشش برای تغییر آن در

جهت تامین هرچه بهتر نیازهای خود. رابطه خودآگاه نه تنها مستلزم پرسش از قوانین طبیعت برای تسلط بر طبیعت است بلکه متضمن پرسش از مظاهر روابط اجتماعی، آداب، سنتها، اعتقادات و نهادهای رایج در جامعه و همچنین جستجوی راههای تحول و امکان بهسازی آنها است. بشر به تدریج پی برد که هم طبیعت و هم نهادها و آداب اجتماعی را همسو با اهداف خود مورد بازنگری قرار دهد.

در جامعه مسائلی که بشر از دیرباز با آن سروکار داشت شکلهایی از نظم اجتماعی و گونه‌هایی از سازمان سیاسی، اقتدار سیاسی و زمامداری سیاسی پیدا کرد. تازمانی دراز این نظم و نهادهای اجتماعی بنا به سنت جریان داشتند و مردم آنها را بنا به سنت می‌پذیرفتند. یعنی اینکه درباره آنها و بازنگری در آن کمترین به اندیشه می‌پرداختند. اما سرشت دگرگون شونده زندگی هر یک از این نهادها با سر آمدن مردم را درباره چون و چرایی صورتهای زندگی اجتماعی مثل قانون، اقتدار، دولت به بازاندیشی وامی داشت. در واقع این بحرانها همواره آغاز پرسشها و اندیشه‌های تازه بود. اندیشه‌هایی که با پرسش از ماهیت نهادهایی چون اقتدار سیاسی، سامان سیاسی، نهادهای سیاسی و دولت سروکار دارند. اندیشه سیاسی خوانده می‌شود.

اندیشه سیاسی با چه مسائلی سروکار دارد؟

زندگی بشر سیر دگرگون شونده‌ای داشته است و همراه خود مسائلی مختلفی را طرح کرده است. با تغییر شرایط زندگی سیاسی در دوره‌های مختلف در هر دوره‌ای مسایل خاصی برای اندیشمندان اهمیت پیدا کرده است. زمانی حکومتهای خودکامه و زمانی دیگر حکومتهای مردمسالار در مرکز توجه و اندیشه‌پردازی اندیشمندان قرار داشته است. سرچشمه

پیدایش دولت همواره از مسایل مهم اندیشه سیاسی بوده است. اما در هر دوره‌ای اندیشمندان سرچشمه پیدایش دولت را در یک چیز دانسته‌اند. زمانی نظریه الهی دولت مورد قبول اکثر اندیشمندان و مردم بود. این نظریه‌ها دولت را به آفرینش الهی نسبت می‌دادند. دوره‌ای نیز سرچشمه دولت بیشتر به قرارداد اجتماعی منسوب می‌شد. این نظریه‌ها دولت را بجهت عمل ارادی و تعمدی انسان می‌دانستند. در این نظریه‌ها برای رضایت و افتخار انسانها در ایجاد یک سامان سیاسی با نوع خاصی از زمامداری نگاه مهمی در نظر گرفته شده بود. این نظریه در برابر نظریه الهی دولت و نظریه دیگری قرار می‌گیرد که به نظریه منشاء طبیعی دولت معروف است. این نظریه است که سرچشمه دولت را طبیعی می‌داند گفته می‌شود که انسان بر حسب طبیعت موجودی اجتماعی است. و سرانجام نظریه‌های پیدا شده که دولت بجهت عمل تعمدی انسان، نه منتج از اراده الهی و نه ناشی از غریزه‌ها و غریزات طبیعی انسان، بلکه برآمده از تحول تدریجی نیاز انسان به نظم به شمار می‌آورد.

موضوع دیگری که با موضوع سرچشمه پیدایش دولت ارتباط دارد مسئله مشروعیت دولت است. موضوع مشروعیت مسئله تکلیف افراد مردم در برابر اقتدار دولت سروکار دارد. چرا گروهی که دولت را با نهاد حکومت پیوند می‌دهند از مردم درخواست فرمانبری دارند. چه دلیل مردم باید از آنها فرمان ببرند؟ فرمانروایان فرمانروایی خود را بر چه مبنایی توجیه می‌کنند؟ فرمانبران بر چه مبنایی این تقسیم کار و تقسیم قدرت را می‌پذیرند. این پرسشها و بسیاری از پرسشهای دیگری نظیر اینها که با موضوع مشروعیت سروکار دارد از مسایل مهم اندیشه سیاسی است. طی تاریخ دراز اندیشه سیاسی پاسخهای مختلفی به پرسشهای بالای داده شده است و همسو با پاسخهای متفاوت دیدگاهها و نظریات

مختلفی در تاریخ اندیشه سیاسی پیدا شده است. برای نمونه، گروهی از اندیشمندان امر فرمانروایی و فرمانبری را به اراده خداوند و گروه دیگری به قانون طبیعی و تفاوت طبیعی انسانها پیوند داده‌اند. در همین خصوص دسته‌ای از اندیشمندان قرارداد اجتماعی را سرچشمه فرمانروایی افرادی و فرمانبری سایرین دانسته‌اند. این اندیشمندان سرچشمه تکلیف مردم را توافقی به‌شمار می‌آورند که ضمن قرارداد اجتماعی شکل گرفته است. و سرانجام بسیاری از اندیشمندان دوره‌های اخیر به‌طور عمومی مردم را که در یک آیین خود-قانونگذاری دموکراتیک شکل گرفته است، سرچشمه تکلیف سیاسی مردم و مشروعیت حکومت ارزیابی می‌کنند.

این موضوع، به‌نوع خود، با مفهوم قانون پیوند می‌خورد که آن نیز از مهمترین موضوع‌های اندیشه سیاسی بوده است. قانون نیز در دوره‌های مختلف تحول اندیشه سیاسی را در معرض تغییرهای مختلف بوده است. قانون ابتدا به عنوان یک سنت ازلئ شمرده می‌شد که به حوزه قدسی خداوند تعلق دارد. بعداً گروهی از اندیشمندان آن را به اصلی نسبت دادند که به طبیعت امور تعلق دارد و عقل انسان می‌تواند آن را کشف کند و در زندگی سیاسی به کار برد. زمانی نیز قانون را به اراده حاکم تعبیر کردند. گروهی از اندیشمندان جدیدتر قانون را از نظر سرانجام به اراده عمومی مردم دانستند که توسط دستگاه دولتی ساخته می‌شود.

شکل حکومت و بحث بر سر اینکه آیا قدرت حکومتی باید در دست یک فرد یا گروهی از افراد متمرکز باشد یا در میان تمام مردم توزیع شود از دیگر بحثهای مهم اندیشه سیاسی است. این موضوع با دامنه اقتدار حکومت و حدود اختیارات مردم نیز پیوند دارد. چنین مباحثی از زمره مسایل مهم اندیشه سیاسی بوده است و همچنان هست.

اهمیت تاریخ اندیشه سیاسی

تاریخ اندیشه سیاسی فضای فکری دنیای گذشته در رابطه با مسایل سیاسی و دگرگونیهای سیاسی را بازتاب می‌دهد. در تاریخ اندیشه سیاسی با عقاید سیاسی گذشتگان و چگونگی تحول آن و تاثیر این دو بر یکدیگر آشنا می‌شویم. شناخت اندیشه‌های گذشتگان برای درک بهتر مسایل امروز بشر نیز جای مهمی دارد. شناخت اندیشه‌های سیاسی گذشتگان برای گروه‌های نخبه جامعه و سیاستمداران حرفه‌ای نیست بلکه برای همه شهروندان لازم است. امروز بر اثر گسترش حق شهروندی و مشارکت هر شهروندی در سرنوشت سیاسی جامعه آشنایی با مسایل سیاسی اهمیت بیشتری پیدا کرده است. شرکت موثر در سرنوشت سیاسی جامعه و بهره‌مند شدن از حقوق شهروندی بدون آشنایی هرچند اندک با گذشته و حال اندیشه سیاسی ممکن نیست. مردم در زمان ما بیش از هر زمان دیگر می‌خواهند که سبیل زندگی خود را بفهمند و با معیارهای عقلی بسنجند و هماهنگ کنند.

برای دانشجویانی که با حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی سروکار دارند، به‌ویژه برای دانشجویان علوم سیاسی آشنایی با اندیشه‌های سیاسی اهمیت خاص دارد. اندیشه سیاسی ضمن آنکه در یک حوزه درسی خاص است در درک بهتر سایر حوزه‌های درسی نیز بسیار یگانه‌ای دارد.

۲ اندیشه سیاسی و فلسفه سیاسی

در این کتاب که با تاریخ اندیشه‌های سیاسی در غرب سروکار دارد به‌طور مکرر با دو اصطلاح اندیشه سیاسی و فلسفه سیاسی سروکار داریم. بد

نیست در همین جا به رابطه این دو اصطلاح با یکدیگر اشاره‌ای کنیم و روشن کنیم که ما در این کتاب به کدام یک از این دو می‌خواهیم پردازیم. پیش از هر چیز باید گفت که این کتاب، همانطور که از عنوانش مشخص است درباره تاریخ اندیشه سیاسی است. پس این پرسش مطرح می‌شود که آیا ما با فلسفه سیاسی کاری نداریم؟ آیا این دو از یکدیگر متفاوتند؟ و اگر متفاوتند ما در کتابی با عنوان اندیشه سیاسی چگونه با هر یک از آنها درگیر خواهیم کرد. نخست باید گفت تا آنجا که به حوزه مطالعات ما در این کتاب مربوط می‌شود بحث رابطه اندیشه سیاسی و فلسفه سیاسی بحث از نوع خاص است. یعنی اندیشه سیاسی حوزه‌ای کلی‌تر است که فلسفه سیاسی را دربر می‌گیرد. به بیان ساده‌تر فلسفه سیاسی جزئی از اندیشه سیاسی است. پس هر بحث و مطالعه‌ای در فلسفه سیاسی جزئی از بحث و مطالعه اندیشه سیاسی است. اما عکس این قضیه صادق نیست یعنی هر اندیشه سیاسی را نمی‌توان به منزله فلسفه سیاسی به‌شمار آورد. فلسفه سیاسی گمن آنکه به حوزه اندیشه سیاسی متصل می‌شود به ملاحظه مشخصات خاص که دارد با برخی دیگر از انواع اندیشه سیاسی متفاوت است و از آنها جدا می‌شود.

تعریف اندیشه سیاسی

اندیشه سیاسی عبارت است از هر تأملی درباره مسایل سیاسی. اندیشه سیاسی لزوماً در پی آن نیست که با بهره‌گیری از شیوه خاص به معرفت درست برسد و معرفت حقیقی درباره سیاست را جانشین گمان سیاسی کند.^۱ اما فلسفه سیاسی چنین داعیه‌ای را دارد؛ یعنی در پی آن است که از گمان سیاسی به سوی معرفت درست حرکت کند. اندیشه سیاسی ممکن است دفاع از یک عقیده جزئی باشد، ممکن دفاع از یک

ایمان و اعتقاد دینی باشد یا حتی در یک اسطوره متبلور شود. اندیشه سیاسی تاریخی طولانی دارد و پیشینه آن به پیشینه تاریخ بشر می‌رسد.

تعریف فلسفه سیاسی

فلسفه سیاسی کوششی روشمند و پیگیرانه برای رسیدن به معرفت سیاسی یا حل معماهای سیاسی است. بزرگترین فیلسوفان سیاسی کوشیده‌اند تا با مزیمت از مبادی وجودشناسی، روش‌شناسی و کیهان‌شناسی زمین به چنین معرفتی برسند و درباره معماهای سیاسی راه‌حل‌های فلسفی ارائه دهند.^۲ به بیان دیگر این فیلسوفان از مطالعه در مبادی وجودی سیاسی و تلاش در سرشت انسان و هستی به کشف احکام مستدل دربارهٔ سیاست می‌پردازند. بنابراین فلسفه سیاسی کوششی است نظامند برای فهم مبادی هر سیاسی.

فلسفه سیاسی تلاش زیادی برای جستجوی یک مبنای متیقن برای عدالت و نظام عادلانه سیاسی داشته است.^۳ فلسفه سیاسی در یونان باستان با جستجوی بهترین نظام سیاسی و شروع حکومت شروع شد. مدار مطالعات فلسفه سیاسی اساسی‌ترین اهداف و مسئولیتهای بشر مثل، عدالت، آزادی و سرشت فرمانروایی در جامعه بشری است. فلسفه سیاسی شاخه‌ای از فلسفه است و همچون فلسفه جستجوی سرچشمه معرفت نسبت به جهان، انسان و طبیعت حیات انسانی است. فلسفه سیاسی برخلاف اندیشه سیاسی همزاد جامعه بشری نیست بلکه در مرحله خاصی از تکامل فکری بشر، یعنی در یونان باستان و به قولی باکار سقراط پیدا شد.

به این ترتیب ما می‌توانیم به هر فلسفه سیاسی اصطلاح اندیشه سیاسی را اطلاق کنیم اما به هر اندیشه سیاسی نمی‌توانیم عنوان فلسفه

سیاسی بدھیم. این هر دو به مطالعه در مسایل سیاسی مانند سرشت و سرچشمه دولت، مبانی مشروعیت، عدالت و آزادی، انواع نظامهای موجود و مطلوب سیاسی، جایگاه مردم در اداره امور سیاسی می پردازند اما فلسفه سیاسی مطالعات خود را به نحوی روشنند و با رجوع به مبادی وجودشناسی و هستی شناسی انجام می دهد، در حالی که اندیشه سیاسی این التزام را ندارد. با این حال اندیشه سیاسی نیز از دغدغه مطالعه در مسایل سیاسی فارغ نیست.

در کاری که ما در این کتاب پیش رو داریم جدا کردن دو مفهوم اندیشه سیاسی و فلسفه سیاسی فقط از جهات محدودی اهمیت دارد. با توجه به مطالب محدودی که در این مجلدات برای ارائه میراث عظیم اندیشه سیاسی در ربع غرب داریم تا حدود زیادی آنچه را که با عنوان اندیشه سیاسی در آن اندیدیم منتهی آرایه می دهیم بیشتر در حوزه فلسفه سیاسی قرار می گیرد. فلسفه است که به سبب محدودیت مجال باید مهمترین جریانهای اندیشه سیاسی و اندیشمندان سیاسی را معرفی کنیم و این رویکرد موجب می شود که بیشتر حوزه فلسفه سیاسی به سیر و بحث پردازیم. این امر کار ما را از جهتی ضرورتی کند زیرا ناگزیریم آرا این اندیشمندان را، که غالباً از فلاسفه بزرگ هستند، به تناسب نظامند بودن تفکر آنها به شیوه ای نظامند آرایه دهیم. بدین ترتیب به درستی از عهده این کار دشوار برآمده باشیم.

بد نیست به این نکته هم اشاره کنیم که ترتیبی که در بالا اشاره تمایز اندیشه سیاسی و فلسفه سیاسی آوردیم مورد قبول همه پژوهشگران نیست. برخی از دانشوران با ذکر اینکه اندیشه سیاسی اندیشه ای عقلانی در موضوع سیاسی است دسته بزرگی از اندیشه هایی را که ما تحت عنوان اندیشه سیاسی معرفی کرده ایم به سبب همین قید «عقلانی» از شمول در

ذیل اندیشه سیاسی خارج می‌کنند. در تعبیر این دسته از دانشوران اندیشه سیاسی بسیار به فلسفه سیاسی نزدیک است. مثلاً از این دیدگاه آنچه که برخی آن را کلام سیاسی می‌خوانند و معرفت خود را با عزیمت از نقطه وحی آغاز می‌کند به عنوان اندیشه سیاسی محسوب نمی‌شود. به همین سبب ایده‌های سیاسی که در اسطوره‌ها آمده است از نظر این دانشوران در سیره اندیشه سیاسی قرار نمی‌گیرد.

ما بی‌آنکه درباره این نظر وارد مجادله شویم به یادآوری این نکته می‌پردازیم که بحث ما در تاریخ اندیشه سیاسی غرب از یونان باستان و از زمانی شروع می‌شود که بحث عقلی جای اسطوره را گرفته است و اطلاق مفهوم اندیشه سیاسی بر آن وارد اختلاف نظر زیادی نیست.

۳ پرسش‌های بنیادین اندیشه سیاسی

اندیشه سیاسی به‌طور اعم یعنی اندیشه‌ای که در قالب فلسفه سیاسی یا هر قالب دیگر با یک سلسله از پرسش‌های اساسی سروکار دارد. در بالا گفتیم که مسئله عدالت، قدرت، سرچشمه و غایت، آزادی فرد و اختیارات حکومت از جمله مهترین مفاهیم و موضوع‌های اساسی اندیشه سیاسی با آن سروکار دارد. اندیشه سیاسی با پرسش‌های اساسی زندگی انسان سروکار دارد. از جمله این پرسش‌ها که: چرا اصولاً دولت وجود دارد؟ آیا دولت در خدمت خیر عموم است؟ اگر چنین است این خیر چیست؟ آیا این خیر کمال اخلاقی انسان است یا به‌روزی مادی او و یا اصولاً ممانعت از هرگونه مزاحمت در راه جستجوی خیر فردی؟ میزان مطلوب دخالت دولت در امور چقدر است؟ آیا دولت در مسایل معنوی باید بی‌طرف باشد یا خیر؟ اگر دولت در مسایل اخلاقی بی‌طرف نیست

چه ارزشهای خاصی را باید ترویج کند؟ این ترویج را به چه ترتیب باید به پیش ببرد؛ از طریق تعلیم و تربیت یا با توسل به قهوه قهر؟ قانون از کجا پیدا شده است؟ آیا قانون وسیله تحمیل اراده گروهی بر گروه دیگر است یا اینکه برای تامین امنیت و آزادی برابر همگان است. شیوه اداره مطلوب جامعه از چه قرار است؟ آیا می توان از طریق برنامه ریزی عمومی سعادت بشر را در این دنیا تامین کرد؟ آیا سیر تاریخ از قانون خاصی پیروی میکند؟ آیا می توان مسیر تاریخ را عوض کرد؟ آیا آرمانهای عدالت، آزادی، کرامت انسان و دموکراسی روزی در همه جا تحقق خواهد یافت؟ این پرسشها نظیر آن دلمشغولی انسان در دیرگاهی از دوران حیات است. در تاریخ اندیشه سیاسی با چگونگی طرح این پرسشها و پاسخهایی که اندیشمندان سیاسی طی دورانهای گذشته تا امروز برای آن یافته اند آشنا می شویم. باید شما خود نیز چنین پرسشهایی را در ذهن داشته اید و برای پاسخ آنها فکر کرده اید. بد نیست بدانید که این پرسشهای به ظاهر ساده کار مطالعاتی و تعالیت فکری تمام عمر برخی از بزرگترین اندیشمندان را به خود جلب کرده است. طرح این پرسشها و پاسخ به آنها در عین حال نشان دورانهای مختلف تاریخی در تکامل فکری بشر را نیز بر خود دارد. در هر دورانی از تاریخ اجتماعی و تحول فکری بشر این پرسشها طرح شده است و به آن پاسخها داده شده است. در این کتاب تلاش شده است از شرایط و ممیزات هر زمان در شیوه طرح و پاسخ متفاوت به این پرسشها نیز سخنی هرچند مختصر گفته شود. اندیشه سیاسی در سیر خود هم نقاط پیوست دارد و هم نقاط گسست. توجه به این پیوستگی و گسستگی نیز بخشی از توجه این کتاب را تشکیل می دهد.

یادداشتها

- ۱- ائو اشتروس، فلسفه سیاسی چیست، ترجمه فرهنگ رجایی، نشر علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳ ص ۴
- 2- Iain Mclean ed, *Oxford Concise Dictionary of Politics* New York Oxford University Press, 1996, p. 384
- حسین بشیریه، مسایل اساسی در فلسفه سیاسی، نشریه دانشکده حقوق و علوم، شماره ۲۳-۲۲ ص ۱۱۹
- ۴- شو اشتروس، همان ص ۴۵